

احمد محمد تبریزی

شهید محمود کاوه خلیلی زود در آسمان

پرستاره دفاع مقدس شروع به درخشیدن کرد و به‌واسطه همین نور و درخشش نیروهای زیادی را دور خود جمع کرد. شهید کاوه در همان ماه‌های نخستین شروع جنگ تحمیلی در ۱۹ سالگی هربی نیروهای بسیجی برای آموزش شد و در ۲۲ سالگی فرماندهی تیپ ۱۵۵ ویژه شهیدا را به عهده گرفت. شهید بزرگوار حسن آیشناسان شهید کاوه را چنین توصیف می‌کرد: «اگر در دنیا یک چریک پاکباخته و دل‌باخته به‌اسلام و حضرت امام(ره)

وجود داشته باشد، محمود کاوه است و هر رزمنده‌ای که بتواند خوب بپخته و آیدند شود باید با تیپ ویژه شهیدا پیش برود. او دارای فضایل روحی و اخلاقی ویژه‌ای بود و انجام کار خالصانه و بی‌ریا را سر لوحه زندگی خود قرار داده بود. عموماً کم سخن می‌گفت و بیشتر عمل می‌کرد و همواره سعی می‌کرد وحدت را تش و سیاه حفظ شود و ارتشیان نیز او را از خود می‌دانستند.» سردار مجید ایافت که از سال ۱۳۵۹ تا هنگام شهادت شهید کاوه در شهر بور ۱۳۶۵ در کنار ایشان حضور داشت گفتنی‌های بسیاری از فرماندهاش و تیپ ویژه شهیدا دارد. ایافت به مناسبت ۱۱ شهریور سالوز شهادت شهید کاوه در گفت‌وگو با

«جوان» بخشی از خاطرات و گفتنی‌هایش را در رابطه با فرمانده تیپ ویژه شهیدا با ما در میان گذاشت که در ادامه می‌خوانید.

اولین آشنایی شما با شهید کاوه چه زمانی و در چه مقطعی از دفاع مقدس اتفاق افتاد؟

در آغاز جنگ تحمیلی که مصادف با آبان ۱۳۵۹ بود در اولین دوره آموزش اعزام به جبهه سیج از شهر مشهد به عنوان بسیجی در خدمت شهید کاوه بودم. ایشان به‌عنوان مربی بحث جنگ‌های نامنظم، عملیات ویژه را تدریس می‌کرد و من شاگردشان بودم. همان‌جا شروع آشنایی‌ام با این شهید بزرگوار بود.

ایشان را به لحاظ روحیات اخلاقی و شخصیتی بطور انسانی دیدید؟

شهید کاوه یکی از مربی‌های معروف و بنام بود که درس‌های حساسی را آموزش می‌داد. ایشان از همان نخستین لحظات و روزهای اول آشنایی جاذبه خاصی داشت و همه جذبش می‌شدند. شخصیت ایشان نه تنها برای بسیجی‌هایی که می‌خواستند عازم جبهه شوند بلکه برای همکارانشان در آموزشگاه امام رضا(ع) سیاه مشهد نیز جذابیت‌های زیادی داشت. ایشان در سال‌های بعد تا زمان شهادتشان در شهر بور سال ۱۳۶۵ یک شخصیت همیشه جذاب برای همه رزمندگان بودند. خودم بارها و بارها مشاهده کردم به‌سیاری از نیروهایی که به لشکر ویژه شهیدا و یگانی که ایشان فرماندهی‌اش را برعهده داشت می‌آمدند، می‌خواستند شهید کاوه را از نزدیک ببینند. بیشتر نیروهای تیپ ویژه شهیدا از استان‌های خراسان، مازندران، سمنان، تهران، همدان و کرمانشاه بودند و بسیاری از این نیروها برای دیدن شهید کاوه به تیپ می‌آمدند.ایشان نه تنها جاذبه شخصی بسیار زیادی داشت بلکه یکی از فرماندهان مشهوری بود که رزمندگان فقط برای دیدنش به تیپ و یگان می‌آمدند. رزمندگان می‌گفتند آدم‌های بی‌بینیم کاوه چه کسی است که ای قدر از او تعریف می‌کنند. این به‌خاطر همان خصایل اخلاقی ایشان بود. شخصی بسیار خاکی بود. از نیرویی که چند روز در ویژه شهیدا حضور

داشت تا کسی که چندین سال در یگان خدمت می‌کرد همه دل‌داه کاوه بودند. به خاطر خاکی و افتاده بودنش روابط دوستانه‌ای با رزمندگان داشت و همین باعث می‌شد همیشه ستاره جمع باشد و همه دوست داشتند در کنار کاوه باشند. گاهی نیروها ساعت ۱۲ شب به دفتر فرماندهی می‌رفتند و می‌گفتند می‌خواهیم با محمود کاوه عکس بگیریم و اگر کسی مانع می‌شد شهید کاوه با آنها بر خورد می‌کرد. گاهی زمان استراحت با لباس راحتی می‌ایستاد و عکس می‌گرفت. این روابط دوستانه به‌همراه مدیریت بسیار مقتدرشان و جذبه‌ای که در امر فرماندهی و هدایت یگان در عملیات‌ها داشت باعث شده بود شخصیتی کارزما در نزد نیروها باشد طوری که شهادت و تلمه از دست دادن ایشان در جمع لشکر ویژه شهیدا هیچ وقت بر نشد.

بنام بودن شهید کاوه در اوایل جنگ از کجا می‌آمد؟

شهید کاوه متولد ۱۳۴۰ بود و پس از پیروزی انقلاب خیلی زود به سپاه می‌پیوندد. مدتی مسئولیت حساس و مهم سپاه راه‌ان مشهد را برعهده داشت. بعد برای یک دوره آموزش ویژه که شامل عملیات نامنظم و تکاوری می‌شد به تهران رفت و کار مربیگری و آموزش بااستادها را برعهده گرفت و استاد پاسداران دوره‌های اول سپاه مشهد بود. این برای زمانی است که ایشان ۱۸ سال بیشتر نداشتند. بعد از این شهید کاوه مدتی مسئولیت نیروهای خراسان در بیت امام در جمران را برعهده می‌گیرد. این فعالیت‌ها در خراسان از ایشان فرد معروفی می‌سازد. ایشان سال ۵۹ یکی از مربیان کارآموده و بنام سپاه بود. در مهر ۵۹ با کسب اجازه از حضرت امام و اینکه حضور مادر در جبهه ضرورت دارد به جبهه می‌رود و در جبهه جنوب و مقابل عراقی‌ها مجروح می‌شود. یک ماه تا بهبودی صبر می‌کند و در آبان اعزام به کردستان پیش می‌آید. ایشان به شهر سقز که جولانگاهی برای ضدانقلاب بود وارد می‌شود. آن زمان تا ۱۵ کیلومتری سقز در دست ضدانقلاب بود. شهر در محاصره ضدانقلاب قرار داشت. شهید کاوه با اینکه از فرماندهی یک دسته شروع می‌کند در عرض کمتر از شش ماه به فرماندهی



عملیات شهر سقز می‌رسد. در این شش ماه سقز و اطراف شهر را پاکسازی می‌کند و ضدانقلاب را از فکر وارد شدن به شهر سقز بیرون می‌آورد. همین باعث می‌شود در شش ماه اولی که در کردستان حضور دارد شخصیت بنامی شود. همه نیروهای نظامی از یک جوان ۱۹ ساله می‌گویند که توانست شهر سقز را در حضور ضدانقلاب پاک کند. بعد از اینکه تیپ ویژه شهیدا با تدبیر شهید بروجردی و فرماندهی شهید ناصر کاظمی ایجاد می‌شود ایشان را به‌عنوان فرمانده عملیات اولین تیپ رزمی آفندی سیاه پاسداران در کردستان منصوب می‌کنند. این انتخاب هم به‌خاطر شهرت، تخصص، تدبیر و طراحی عملیات‌های سقز بود.

برجسته ترین اقدام تیپ ویژه شهیدا در بحث عملیات پاکسازی جاده پیرانشهر – سر دشت در جنگل‌های آلوئان و کوه‌های مرز ایران و عراق بود که در یک عملیات به صورت سه ماه پی‌در پی انجام شد. تیپ ویژه شهیدا با سه گسردان رزمی، یک گسردان ادوات و آتش سه ماه از ششم شهر بور ۶۱ تا اول آذر عملیات مداوم انجام داد و جاده را آزاد کرد

برجسته ترين اقدام تیپ ویژه شهیدا در بحث عملیات پاکسازی جاده پیرانشهر – سر دشت در جنگل‌های آلوئان و کوه‌های مرز ایران و عراق بود که در یک عملیات به صورت سه ماه پی‌در پی انجام شد. تیپ ویژه شهیدا با سه گسردان رزمی، یک گسردان ادوات و آتش سه ماه از ششم شهر بور ۶۱ تا اول آذر عملیات مداوم انجام داد و جاده را آزاد کرد

برجسته ترين اقدام تیپ ویژه شهیدا در بحث عملیات پاکسازی جاده پیرانشهر – سر دشت در جنگل‌های آلوئان و کوه‌های مرز ایران و عراق بود که در یک عملیات به صورت سه ماه پی‌در پی انجام شد. تیپ ویژه شهیدا با سه گسردان رزمی، یک گسردان ادوات و آتش سه ماه از ششم شهر بور ۶۱ تا اول آذر عملیات مداوم انجام داد و جاده را آزاد کرد



برجسته ترين اقدام تیپ ویژه شهیدا در بحث عملیات پاکسازی جاده پیرانشهر – سر دشت در جنگل‌های آلوئان و کوه‌های مرز ایران و عراق بود که در یک عملیات به صورت سه ماه پی‌در پی انجام شد. تیپ ویژه شهیدا با سه گسردان رزمی، یک گسردان ادوات و آتش سه ماه از ششم شهر بور ۶۱ تا اول آذر عملیات مداوم انجام داد و جاده را آزاد کرد

برجسته ترين اقدام تیپ ویژه شهیدا در بحث عملیات پاکسازی جاده پیرانشهر – سر دشت در جنگل‌های آلوئان و کوه‌های مرز ایران و عراق بود که در یک عملیات به صورت سه ماه پی‌در پی انجام شد. تیپ ویژه شهیدا با سه گسردان رزمی، یک گسردان ادوات و آتش سه ماه از ششم شهر بور ۶۱ تا اول آذر عملیات مداوم انجام داد و جاده را آزاد کرد

از راست به چپ

- ۱- لاجورد- آخرین ماه فرنگی- شهر زادگاه عطار نیشابوری ■ ۲- در سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس و جایگزین جامعه ملل که در ده زانویه ۱۹۲۰ تأسیس شده بود، شد- آش- برجستگی لاستیک ■ ۳- خیاب- نقاش امیر سیونیست فرانسوی- از بزرگ‌ترین بندرهای ژاپن ■ ۴- هفته انگلیسی- محاسن- رود رنگی- پشم شتر ■ ۵- جذام- شهر آسمانخراش‌ها ■ ۶- دختر زن از شوهر سابق - علف‌خوردن حیوان- مهاجم تیم ملی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۱۰ ■ ۷- نصفه- خندق بلا- از نعمت شنیدن محروم است ■ ۸- مادر آذری- شهر فیروزه ایران- موی بلند ■ ۹- وسیله کشف سلاح کاشتنی- مردم قرآنی- حبیب ■ ۱۰- حب فرار- پدر بزرگ آدمیان- خط فرضی زمین ■ ۱۱- نقطه سیاه روی پوست - لوله گوارشی- کدر و مات ■ ۱۲- ملعون ابدی تاریخ- قسمتی در زندان‌ها- مژه حقیقت- کشتی جنگی ■ ۱۳- پول ایسلند- هوش و حافظه- فلز زسانا ■ ۱۴- صد متر مربع- دار چین هندی- از ترکیب کربن باکسیژن به دست می‌آید ■ ۱۵- از پرندگان خوش آواز - ته‌بندی کتاب- فی‌الغور

از بالا به پایین

۱- مجوز فعالیت یک سفیر در کشور بیگانه- آشنا ■ ۲- دقت و کنج‌کاوی- ذات و سرشت ■ ۳- خار سر دیوار- بلندترین قله قاره آفریقا ■ ۴- باب‌روز- بخشش بلاعوض- سسال آذری- نوعی پخت برنج ■ ۵- مخترع دوربین عکاسی- اسم- ساختمان بلند ■ ۶- شاعر سراینده کارنامه بلخ- سرازیری- لیست غذا ■ ۷- مادر تازی- از پر تاپ‌ها در دوومیدانی- تپیا ■ ۸- ناسیونال- از نبردهای بزرگ جنگ جهانی دوم و ملقب به بزرگ‌ترین عملیات آبی و خاکی- رود بزرگ سوییس ■ ۹- تیم فوتبالی در ایتالیا- سقف خانه- به دنیا آوردن ■ ۱۰- از حروف انگلیسی- رنگین‌کمان- ماده فتدی موجود در میوه‌ها ■ ۱۱- ژنرال و سیاستمدار امریکای جنوبی که در استقلال دادن به چند کشور امریکایی فداکاری‌ها و جانفشانی‌ها کرد- گستاخ ■ ۱۲- علف خشک- موش‌گیر- واحد شمارش کله‌پاچه- تشری انار ■ ۱۳- میمون آدم‌نما- بوی رطوبت ■ ۱۴- در فوتبال به معنی بازگشت نتیجه است- اثر مشهور فخرالدین اسعد گرگانی داستان‌سرای بزرگ عهد سلجوقیان ■ ۱۵- درودگر- نویسنده مشهور روسی صاحب کتاب خاطرات خانه اموات



ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۱

گفت‌وگوی «جوان» با سردار مجید ایافت از هم‌زمان شهید محمود کاوه فرمانده لشکر ویژه شهیدا

کاوه و یارانش کمر ضدانقلاب را در کردستان شکستند

برجسته‌ترین اقدام تیپ ویژه شهیدا در بحث عملیات پاکسازی جاده پیرانشهر – سر دشت در جنگل‌های آلوئان و کوه‌های سرز ایران و عراق بود که در یک عملیات به صورت سه ماه پی‌در پی انجام شد. تیپ ویژه شهیدا با سه گردان رزمی، یک گردان ادوات و آتش سه ماه از ششم شهر بور ۶۱ تا اول آذر عملیات مداوم انجام داد و جاده را آزاد کرد. این زمانی بود که شهید بروجردی، شهید ناصر کاظمی، شهید محمدعلی گنجی‌زاده، شهید قمی، شهید کاوه و برادر جانباغ چنگیز عبدی فر در تیپ حضور داشتند. عملیات جاده پیرانشهر– سر دشت شربه محکمی به ضدانقلاب زد و شهید بروجردی بعد از آن گفت که کمر ضدانقلاب در کردستان شکست. پس از گفت ۶۲ و ۶۳ کردستان در بعد نظامی از وجود ضدانقلاب پاکسازی شد. پس از آن تیپ ویژه شهیدا برای مبارزه با بعضی‌ها در عملیات بدر گسیل شد. این حضور پیروبیانات مقام معظم رهبری بود که پیش از عملیات بدر فرمودند تیپ ویژه شهیدا تیپ کردستان نیست و تیپ ویژه شهیدا تیپ ضرورت و دعوت برای نبرد و پاسداری از انقلاب است. پس از آن تیپ ویژه شهیدا وارد عملیات با عراق شد و تا سال ۶۷ و انجام آخرین عملیات ایران در دفاع مقدس حضور داشت. اوج عملیات‌های تیپ ویژه شهیدا در عملیات والفجر ۹ در زمستان ۶۴ بود. لشکر ویژه شهیدا با ۱۳ گردان در خط و ۵ گردان احتیاط

این عملیات را انجام داد و منطقه بسیار حساس و وسیعی را آزاد کرد. با پیروزی در این عملیات، بسیاری از فشارهایی که از عملیات والفجر ۸ در منطقه قاپوروی نیروهای عملیاتی بود برداشته شد و نیروها توانستند در فاو مستقر شوند و مواضعشان را تحکیم کنند. عملیات والفجر ۹ نقطه نوری در کارنامه لشکر ویژه شهیدا در مبارزه با دشمن متجاوز است. تیپ عملیات‌های زیادی انجام داده‌ولی این عملیات در کارنامه‌ش بزرگ می‌درخشد. با اینکه بعد از پایان جنگ در سال ۶۷ همه یگان‌ها به شهرهایشان برگشتند تیپ ویژه شهیدا تا سال ۷۰ در کردستان باقی ماند تا اجازه ندهد بقایای ضدانقلاب بعد از پذیرش قطعنامه در کردستان کاری انجام دهد. من از روزی که شهید کاوه در کردستان رفت تا زمان شهادت ایشان و بعد تا سال ۷۰ توفیق حضور در یگان تیپ شهیدا را داشتم. همین یگان سهم بسزایی در برنامه‌های ایجاد امنیت پایدار شهید شوشتری در سیستان و بلوچستان داشت. پنج سال به عنوان لشکر عملیاتی ویژه شهیدا در سراوان مسئولیت داشت و نقش بسزایی در پاکسازی این مناطق از وجود اشرا ابقا کرد.

فلسفه تأسیس و هدف‌گذاری تیپ ویژه شهیدا چه بود؟

تیپ ۱۵۵ کوهستانی ویژه شهیدا خاص پاکسازی منطقه کردستان از لوب و وجود ضدانقلاب ایجاد شد. ایده اصلی‌اش برای شهید محمد بروجری، شهید ناصر کاظمی، سرلشکر ایزدی و چند فرمانده مناطق کردنشین بود. آنها سال‌ها پیگیر بودند که یک یگان مستقل در حد تیپ در کردستان به‌طور ویژه تشکیل شود و عملیات‌های بزرگ انجام دهد و شهید بروجردی اصرار داشت چنین یگانی تشکیل شود. این ایده هم‌زمان با تأسیس تیپ‌های دیگر بود. چون مؤسسان تیپ ارادت و ویژه‌ای به شهیدایی که مظلومانه در کردستان به شهادت رسیده بودند، داشتند نام تیپ را ۱۵۵٫ ویژه شهیدا گذاشتند.

دوره فرماندهی شهید کاوه در تیپ ویژه شهیدا اقدامات و فعالیت‌های خوبی انجام شد.

شهادت ایشان تلمه‌ای بزرگ بود که جایش هیچ‌گاه پر نشد. همه فرماندهان از معجزات ایجاد بودند و با شهادتشان هیچ‌گاه جایشان پر نشد. در بهار سال ۶۵ وقتی که عراق به منطقه ویژه شهیدا به منطقه عازم و روی ارتفاع ۲۵۱۹ متری شد، بلافاصله پس از زخمی شدن ایشان تمام عملیات متوقف شد. آن قدر حضورشان تأثیر گذار بود. سه ماه بعد که تیپ ویژه شهیدا در کربلای ۲ برای آزادسازی همان منطقه عملیات کرد در شهریور ۶۵ با شهادت آقای کاوه تیپ در این عملیات متوقف شد. شهید کاوه آن قدر در این عملیات نقش محوری داشت که با شهادتش تمام عملیات متوقف شد و ادامه پیدا نکرد. این اتفاق در روحیه رزمندگان خیلی تأثیر گذاشت. در دفاع مقدس هر فرمانده‌ای که شهید می‌شد

اثر منفی روی رزمندگان می‌گذاشت. وقتی شهید بروجردی شهید شد شهید کاوه نمی‌توانست روی پای خودش بایستد. در تیپ ویژه شهیدا از همان روز اول یک نظام استاد و شاگردی یا مراد و مریدی بین رزمندگان و فرماندهان حاکم بود و وقتی یکی از فرماندهان شهید می‌شد بقیه نیروها به هم می‌ریختند. با این حال باز برای ادامه دادن راه فرمانده شهیدشان متعهدانه هم‌قسم می‌شدند. تزلزل